آینه

## ایران

**یادداشت: «اهداف پیدا و پنهان ائتلاف جدید در منطقه»؛ حسن هانی‌زاده**

جان کری وزیرخارجه آمریکا اخیرا در سفری به منطقه، یک ائتلاف منطقه‌ای را علیه آنچه که آمریکا آن را ائتلاف برای مبارزه علیه داعش توصیف کرده، به وجود آورد... تجزیه عراق به سه بخش و تقویت دو اقلیم سنی‌نشین و کردنشین و تضعیف حاکمیت احتمالی اقلیم شیعه‌نشین برای اهداف بعدی، جزیی از طرح «جو بایدن» به شمار می‌رود. سقف زمانی تعیین‌شده برای عملیاتی‌کردن این طرح دوسال است که به‌عنوان دستاورد حاکمیت هشت‌ساله دموکرات‌ها بر آمریکا برای تغییر ساختار خاورمیانه، در نظر گرفته شده است. لذا ائتلاف اخیری که آمریکا در ۱۱سپتامبر ۲۰۱۴ ایجاد کرد، یکی از خطرناک‌ترین سناریوهای تعریف‌شده آمریکا برای ایجاد خاورمیانه جدید است، بدون اینکه آمریکا کوچک‌ترین هزینه مالی و انسانی برای ایجاد این تغییر متحمل شود.

## اعتماد

**یادداشت: «سر در زیر برف یا ائتلاف منطقه‌ای؟» نصرت‌الله تاجیک**

در حالی که متحدان عرب واشنگتن از گسترش بمباران‌ها به داخل سوریه استقبال می‌کنند، اما تغییر رژیم دمشق بیش از سرکوبی و انهدام داعش و کنترلش بر مناطق صعب و سنگلاخی شمال شرق سوریه در دستور کارشان قرار دارد. محافل دانشگاهی این کشورها ابایی ندارند بگویند که اگر تصور بر این است جنگ بر ضد داعش در سوریه جدای از نیاز مهم‌تری همچون تغییر اسد در سوریه است، در این صورت نباید لحظه‌ای در شروع فروپاشی این ائتلاف شک کرد! و این دیدگاهی است که مسوولان حکومتی و دولتی این کشورها نیز دنبال می‌کنند و آمریکا نباید همچون کبک سر خود را در برف کند!

## جمهوری اسلامی

**سرمقاله: «آمریکا، ائتلاف برای بازی با داعش»**

روشن است که ملت‌های منطقه هرگز فریب راهبرد ادعایی اوباما در مبارزه با داعش را نخواهند خورد، زیرا این ادعا با سوابق سیاه کاخ سفید در حمایت از تروریسم همخوانی ندارد و اگر مقامات آمریکایی در ادعای خود صداقت دارند باید همه گروه‌های تروریستی را که در سال‌های اخیر با افراطی‌گری عامل بی‌ثباتی در منطقه و جهان بوده‌اند در فهرست مقابله قرار دهند زیرا معنی ندارد که رییس‌جمهور آمریکا همزمان با ادعای مبارزه با تداوم و تشدید کمک‌های تسلیحاتی آمریکا به تروریست‌های مخالف دولت سوریه سخن به میان آورده و از تقویت آنها که مرتکب جنایات زیادی شده‌اند به‌عنوان راهی برای مقابله با داعش یاد کند! این، درواقع بازی با داعش است نه مبارزه با داعش.

## کیهان

**سرمقاله: «خواب پنجشنبه اوباما»؛ سعدالله زارعی**

باراک اوباما روز پنجشنبه گذشته و در نطق سالانه‌ای که روسای جمهور آمریکا در سالگرد ماجرای ۱۱سپتامبر ارایه می‌کنند، از یک «جبهه جهانی» حول محور آمریکا برای مبارزه با تروریزم خبر داد... از هفت‌سال ریاست‌جمهوری اوباما چیزی عاید حزب دمکرات نشده و آن را در آستانه تحمل یک شکست بزرگ انتخاباتی قرار داده است. آمریکای اوباما در این میان به دو پرونده چشم دوخته است، پرونده مذاکرات هسته‌ای ایران به این امید که تهران علاوه بر تعلیق غیررسمی فعالیت‌های هسته‌ای دوره روحانی، ایران را متعهد به کنارگذاشتن برنامه هسته‌ای خود لااقل برای یک دوره ۱۰ساله نماید. اوباما معتقد است نرمش‌های یک‌ساله ایران، چنین امری را امکان‌پذیر ساخته است. پرونده دیگر پرونده جبهه مقاومت و قدرت فائقه منطقه‌ای ایران است که برای اوباما به صورت مهم‌ترین شاخص ناکامی آمریکا درآمده... با توجه به نفرت شدید منطقه از آمریکا، مخالفت زبانی آمریکا با داعش و... به محبوبیت بیشتر گروه‌های تروریستی منجر می‌شود و در نتیجه زمینه مردمی بیشتری برای آنان فراهم می‌گردد این در حالی است که تروریست‌ها از حملات هوایی که اوباما وعده آن را می‌دهد، حتی اگر جدی باشد، آسیب چندانی نمی‌بینند.

## رسالت

**سرمقاله: «نقش‌آفرینی ایران در نظم جدید جهانی»؛ محمدکاظم انبارلویی**

هیچ‌کس نباید تردید کند که دوران حیات امام‌خمینی(ره) دوران زلزله در ارکان نظم دوقطبی جهان بود. هیچ‌کس نباید در این وضعیت شک کند که ما در دوران پس از امام(ره) با سرانگشت هدایت حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای طی دودهه گذشته از همه توفان‌های سیاسی منطقه و جهان پیروز و قدرتمند خارج شدیم. ما در این دوران قدرت خود را در زمین و هوا و دریا تقویت کردیم و در پیشرفت‌های علمی ره صدساله را یک‌شبه طی کردیم و به همین دلیل پنج قدرت اتمی جهان، ۱۰سال است در برابر ما زانو زده‌اند و التماس می‌کنند از این جلوتر نروید! هیچ‌کس نباید در این حقیقت تردید کند که جمهوری اسلامی اکنون به‌عنوان یک «متغیر» اصلی در منطقه و جهان ظاهر شده است و دیگر «تابع» قدرت‌های منطقه و جهان نیست. این حقیقت را حتی دشمن فهمیده است و بالاخره هیچ‌کس نمی‌تواند در این واقعیت تردید کند که نظم جدیدی در جهان در حال شکل‌گیری است و نظم‌های پیشین (دوقطبی-تک‌قطبی) از بین رفته است لذا دولت جمهوری اسلامی و ملت ایران در این نظم جدید نه حرف اول را بلکه عمل اول را انجام می‌دهد.

### واکاوی «فراکسیون اصولگرایان» مجلس نهم

# مخالفان زیر یک چتر

مهدی قدیمی

این‌روزها، هر چالشی که برای تیم دولت در «بهارستان» به وجود می‌آید، حتما سررشته آن در دست یکی از اعضای فراکسیونی است به‌نام «فراکسیون اصولگرایان»؛ فراکسیونی تشکیل‌شده از چند طیف مختلف و متضاد اردوگاه اصولگرایان که تنها در دو نکته با هم اتفاق نظر دارند: مرزبندی با حسن روحانی و علی لاریجانی؛ فراکسیونی که حالا، اغلب اقداماتش در افکار عمومی به پای «جبهه پایداری» گذاشته می‌شود. این درحالی است که بخشی از اتاق فکر این فراکسیون، تا دوسال قبل با پایداری‌ها سر ناسازگاری داشتند و روابطشان گاه به افشاگری علیه یکدیگر در صحن علنی می‌انجامید. اما حالا روزگار دعوای درون‌اردوگاهی گذشته و آنها در پی ازدست‌دادن ریاست پارلمان و بعد از ناکامی برای فتح مجدد این سنگر در مجلس نهم، دولت را نیز در کنترل غیرخودی‌ها می‌بینند و در یک‌سال‌ونیم باقی‌مانده از عمر نمایندگی‌شان در مجلس نهم، چاره‌ای جز اتحاد برای غلبه بر رقبای درون‌پارلمانی و برون‌پارلمانی پیش‌روی خود نمی‌یابند. اینگونه است که روح‌الله حسینیان و علیرضا زاکانی که در جلسه روز پنجم اردیبهشت سال ۹۱ و در واپسین روزهای مجلس هشتم، صحن علنی مجلس و رسانه‌های خود را به عرصه جدل با یکدیگر تبدیل کرده بودند، حالا در قامت پشتیبانی از یکدیگر برسر علی لاریجانی فریاد می‌زنند و او را در صحن علنی مجلس، «دیکتاتور» خطاب می‌کنند و از سوی دیگر، از هیچ کوششی برای استیضاح وزرا و نطق و سخنرانی و مصاحبه علیه مواضع سیاسی دولت روحانی فروگذار نمی‌کنند. بارزترین نماد این دو هدف همزمان فراکسیون را نیز می‌توان در حرکت رسایی پس از استیضاح وزیر علوم مشاهده کرد؛ جایی که او همزمان با شادباش‌گفتن به دوستانش به مناسبت عزل «دانا» از وزارت علوم، تابلویی علیه لاریجانی در دست می‌گیرد تا بگوید «با یک تیر، هر دو نشان را زده‌ایم.» این حرکت نمادین رسایی و البته توفیق این جمع در عزل یکی از محبوب‌ترین وزرای روحانی، امر را نه‌تنها برخود اعضای«فراکسیون اصولگرایان»، بلکه برای برخی ناظران و رقبای آنها نیز مشتبه کرده که این فراکسیون، می‌تواند، هرچه اراده کند در صحن به کرسی بنشاند. اعضای این فراکسیون، چنان در این باور غرق شده‌اند که حتی پس از پایان جلسه استیضاح وزیر علوم، با استناد به ۱۴۵ رای موافق به این استیضاح، «اقلیت»بودن خود را نیز منکر می‌شدند و خود را با فراکسیون اکثریت مجلس مقایسه می‌کردند. اما آیا این پندار، می‌تواند واقعیت داشته باشد؟

**نمای اول؛ مجلس هفتم**

با پایان‌یافتن کار مجلس ششم و برگزاری انتخاباتی که در آن، کمتر چهره اصلاح‌طلبی امکان حضور داشت، مجلس هفتم متولد شد. مجلسی که پس از فتح شورای شهر تهران، دومین نهادی بود که تقریبا به‌طور کامل در اختیار اصولگراها قرار گرفته بود و آنها خود را در یک‌قدمی خیمه ریاست‌جمهوری می‌دیدند. اینگونه بود که همان روزهای نخست تصمیم گرفتند، رقابت را تا فتح آخرین سنگر کنار بگذارند و با توافق بین باهنر و توکلی و حدادعادل که نامزد ریاست پارلمان بودند، حداد را به این مسند نشاندند. نمایندگان مجلس هفتم معتقد بودند که باهنر به‌منظور حفظ وحدت کنار رفته، اما چشم‌پوشی توکلی از مسند ریاست، دست او را در اداره مجلس نبسته است. آنها همیشه از دونفری که مجلس به اراده آنها اداره می‌شد، سخن می‌گفتند و گاهی نام نادران را کنار توکلی به‌عنوان «دو اداره‌کننده اصلی مجلس» به زبان می‌آوردند. مصوباتی همچون تثبیت قیمت‌ها که رییس مجلس آن را عیدی مجلس اصولگرا به مردم نامید و وعده داد تا به مدد آن، رخت عزایی را که اصلاح‌طلبان به تن مردم کرده‌اند، بیرون آورد، نیز از دیگر نشانه‌هایی بود که منتقدان رییس در مجلس هفتم با استناد به آن، می‌گفتند مجلس به دست توکلی اداره می‌شود. این مناسبات با روی‌کارآمدن دولت نهم و آغاز اختلافات درون‌خانگی اصولگراها، تغییر کرد و در مجلس یک‌دست اصولگرایان، آرام‌آرام جرقه‌های اختلاف و مرزبندی، زده شد. جرقه‌هایی که اگرچه تا پایان عمر مجلس هفتم، نادیده گرفته شد، اما با آغاز کار مجلس هشتم، جرقه‌ای شد بر خرمن اردوگاه اصولگرایان.

**نمای دوم؛ مجلس هشتم**

مجلس هشتم، در شرایطی آغازبه‌کار کرد که اختلافات درون‌خانگی و مرزبندی‌های ایجادشده میان حامیان و منتقدان دولت احمدی‌نژاد، شکاف‌های موجود بین اصولگرا را افزایش می‌داد و در این بین حضور یک اقلیت اصلاح‌طلب در مجلس هشتم بر این جناح‌بندی تاثیر گذاشته بود. همه‌چیز از روزهای بستن فهرست تهران شروع شد، جایی که حدادعادل برای سر فهرستی انتخاب شده بود. اما همه‌چیز در روزهای پیش از آغازبه‌کار مجلس رقم خورد؛ وقتی که قرار شد رقابت‌های داخلی در ملأعام برگزار نشود و در خفا به اجماع برسند. اینگونه بود که منتخبان اصولگرای مجلس هشتم پیش از آغازبه‌کار این مجلس، در مرکز همایش‌های صداوسیما گرد هم آمدند تا حدادعادل به‌عنوان رییس مجلس و علی لاریجانی به‌عنوان نماینده قم برای آنها سخنرانی کنند. پس از این جلسه از میان حاضران، رای‌گیری به‌عمل آمد و نتیجه آرا آغاز ماجرا بود: ۲۰۰رای به علی لاریجانی در مقابل کمتر از ۱۰رای به حدادعادل. رییس مجلس هفتم پس از این اتفاق تن به رای دیگر اصولگرایان داد و در صحن علنی، کاندیدای رقابت با علی لاریجانی نشد. اما طیف حامیان دولت وقت که با فهرست «رایحه خوش خدمت» به مجلس آمده بودند، با تشکیل یک فراکسیون با نام فراکسیون انقلاب اسلامی در دل «فراکسیون اصولگرایان»، جزیره‌ای در دایره تحت‌مدیریت لاریجانی پدید آوردند. جزیره‌ای که اولویتش حمایت از احمدی‌نژاد بود و به همین دلیل نمی‌توانست با سایر مخالفان مجلس‌نشین لاریجانی به وحدت برسد. اینگونه بود که در سال پایانی کار مجلس هشتم، بیش از آنکه با حامیان لاریجانی درگیر شود، با مخالفان احمدی‌نژاد به نزاع پرداخت. آنها در ماجرای سوال از احمدی‌نژاد، بازهم در حمایت از رییس دولت دهم به خود تردید راه ندادند تا درمقابل اصولگرایان و اصلاح‌طلبان مجلس هشتم، اقلیت محض این مجلس باشند. اما اوج این رویارویی در ماه‌های پایانی کار مجلس هشتم و در روزهایی که تیم احمد توکلی و زاکانی و نادران، وزیر کار را به‌دلیل استفاده از مرتضوی تا پای استیضاح آورده و به اعتبار «قول شرف» قاضی مرتضوی از این کار صرف نظر کرده بودند، در صحن علنی خودنمایی کرد. در اولین روزهای اردیبهشت سال ۹۱ و درحالی‌که یک‌ماه تا پایان کار مجلس هشتم زمان باقی مانده بود، سایت «جهان نیوز» (تحت‌مدیریت زاکانی) حملات وسیعی را علیه روح‌الله حسینیان و جبهه پایداری آغاز کرد. در روزهایی که منتخبان مجلس نهم آماده می‌شدند تا در یارکشی‌های این مجلس، جایگاه مناسبی داشته باشند، تیم زاکانی و توکلی و نادران، تلاش داشتند تا حامیان احمدی‌نژاد را از دایره خودی‌ها بیرون برانند و فراکسیونی که احمدی‌نژادی نباشد اما به ریاست حداد اعتقاد داشته باشد، تشکیل دهند. اینگونه بود که علاوه‌بر انتشار مطالبی درباره سوابق حسینیان، خشم چهره شاخص پایداری‌ها را برانگیخته بودند. «جهان‌نیوز» قبل از این مقاله هم در یک یادداشت تحلیلی به مواضع حسینیان درباره حدادعادل اشاره کرده بود. جهان نیوز به‌نقل از حسینیان نوشته بود: «ما نسبت به ریاست آقایان حداد و لاریجانی ذهنیت منفی داریم؛ در ریاست آقای حداد نگران این هستیم که چرخاننده مجلس با ریاست آقای حداد به دست یکی،دونفر آدم خاص باشد؛ در جبهه پایداری نیز نگران این داستان هستیم. از آقای لاریجانی هم نگرانی‌هایی داریم و می‌ترسیم باز هم مدیریت مجلس هشتم ادامه یابد؛ البته نکات مثبت هم دیده می‌شود که از جمله آقای لاریجانی در برخی مسایل قاطع‌تر است و حداد محافظه‌کار است.» این حملات از سوی حسینیان در صحن علنی پاسخ داده شد و او در جلسه علنی روز پنجم اردیبهشت سال۹۱ در تذکری شفاهی، احمد توکلی و علیرضا زاکانی و سایت‌های خبری تحت مدیریت این دونفر (الف و جهان نیوز) را به باد انتقاد گرفت. حسینیان در تذکر خود ابتدا از مصاحبه سایت توکلی با «الن ایر» سخنگوی فارسی‌زبان وزارت امورخارجه آمریکا انتقاد کرد و گفت: «چرا آقای توکلی رییس مرکز پژوهش‌ها و منصوب رییس مجلس سایتش را در اختیار وزارت امورخارجه آمریکا گذاشته است؟ یا آقای لاریجانی، توکلی را از ریاست مرکز پژوهش‌ها عزل کند یا اینکه هیات‌رییسه از او اعلام برائت کند! یا اینکه توکلی بیاید از سایت «الف» اعلام برائت کند یا بگوید که مسوول این سایت را برکنار کرده است.» او سپس به‌سراغ زاکانی رفت و گفت: «آقای زاکانی جز امروز، همواره در جلسات مجلس تاخیر داشته یا غایب بوده است و همواره می‌گویند او دنبال دکترایش است! آیا او همواره مامور مجلس است؟ هیات‌رییسه روزهای حضور او در مجلس را اعلام کند که معلوم شود که چند روز در خدمت مردم بوده است.» حسینیان که در آن روزها هم رییس فراکسیون انقلاب اسلامی (حامیان احمدی‌نژاد در مجلس هشتم) و هم عضو شورای مرکزی جبهه تازه تاسیس پایداری بود در ادامه به کنایه گفت: «البته من می‌دانم که اداره چند سایت و مجله فاخر نیازمند وقت و پول است! اما ما به مردم تعهد داده‌ایم که در مجلس به امور آنها بپردازیم. اما ایشان برخی آقازادگان را با پول جذب کرده‌اند برای تخریب کسانی که حاضر نشدند عضو گروه آنها باشند!» این نزاع اگرچه در آغازبه‌کار مجلس نهم نیز ادامه یافت و صورت‌بندی جدید را هم تحت تاثیر قرار داد، اما در ادامه راه مجلس نهم دچار تحول شد.

> **حسینیان پیش از آغاز به کار مجلس نهم گفته بود: ما نسبت به ریاست آقایان حداد و لاریجانی ذهنیت منفی داریم؛ در ریاست آقای حداد نگران این هستیم که چرخاننده مجلس با ریاست آقای حداد به دست یکی،دونفر آدم خاص باشد؛ در جبهه پایداری نیز نگران این داستان هستیم**

**نمای سوم؛ مجلس نهم**

مجلس نهم در شرایطی که اصلاح‌طلبان به حاشیه رانده شده بودند، تشکیل شد و در نتیجه، تعداد نیروهایی که به‌عنوان اصلاح‌طلب وارد مجلس شده بودند، به زحمت از تعداد انگشتان یک دست تجاوز می‌کرد و اینگونه بود که تشکیل فراکسیونی به‌نام «فراکسیون اصلاح‌طلبان»، از ابتدا غیرممکن به نظر می‌رسید. در این شرایط همه‌چیز برای یک زورآزمایی درون‌اردوگاهی دیگر بین اصولگرایان فراهم شد. این‌بار حدادعادل تمام‌قد به میدان آمد و با دعوت از نمایندگان تازه‌وارد برای تشکیل «فراکسیون اصولگرایان» سنگ تمام گذاشت. نتیجه این تلاش‌ها هم در جلسه روز ۲۴اردیبهشت سال۹۱، درحالی‌که دو هفته به شروع کار مجلس نهم وقت باقی مانده بود، رونمایی شد. به گزارش خبرگزاری‌های حامی این طیف نظیر فارس، ۱۵۳ نماینده مجلس نهمی به این جلسه آمدند، حداد برای آنها سخنرانی کرد و از روزهای گوشه‌نشینی‌اش در مجلس ششم یاد کرد و گفت: «همین که خدا آن مجلس را به این مجلس تبدیل کرده، جای شکر دارد.» او به ماجرای انصرافش از رقابت با لاریجانی برای ریاست مجلس هشتم اشاره کرد و در شرایطی که در رای‌گیری اولیه او ۱۰ رای و لاریجانی ۲۰۰ رای آورده بودند، گفت برای کاندیداشدن در آن انتخابات، حجت شرعی داشته و بعد هم به نتیجه قول‌وقرارهای اصولگرایانه پایبند مانده است. او در ادامه تصریح کرد: پس از سکوت چهارساله در مقطع تبدیل مجلس هشتم به مجلس نهم، احساس تکلیف کردم و اگر تا روز رای‌گیری زنده باشم، داوطلب ریاست مجلس می‌شوم ولو اینکه غیرخودم کسی به من رای ندهد؛ بنده نزد خدا حجت دارم و شما هم حجت دارید و به آن عمل کنید.» او در حالی این سخنان را می‌گفت که بیش از ۱۸۰ نماینده مجلس هشتم در جلسه‌ای با لاریجانی شرکت کرده بودند گفت: «متاسفم از اینکه عده‌ای در اصولگرایی با نام دیگری بخواهند انشقاق و انشعاب راه بیندازند.» اما تاسف حداد راه به جایی نبرد و حامیان لاریجانی فراکسیون رهروان ولایت را راه‌اندازی کردند و گوی سبقت را نیز از حامیان حداد ربودند. در این مقطع، تیم نزدیک به جبهه پایداری اگرچه در مخالفت با لاریجانی تردیدی نداشتند اما برای حمایت از حداد هم اجماعی بین آنها دیده نمی‌شد. چون همچنان طیف اصلی حامی حداد، کسانی بودند که با احمدی‌نژاد سر ناسازگاری داشتند.

انتخاب‌نشدن حدادعادل اولین ثمره این تشتت درون‌گروهی «فراکسیون اصولگرایان» بود، اما آینه تمام‌نمای این شکاف، در روز استیضاح وزیر کار دولت احمدی‌نژاد به نمایش درآمد؛ آنجا که احمد توکلی در مقام استیضاح‌کننده، از فجایع کهریزک و هتک آبروی نظام سخن می‌گفت و حسینیان در مقام مدافع وزیر کار از ایستادگی مرتضوی در سال‌های اصلاحات، یاد می‌کرد؛ شکافی که یک هفته بعد با حمله افراد نزدیک به حلقه پایداری به رییس مجلس در راهپیمایی ۲۲بهمن قم عمیق‌تر شد. گزارش کمیته حقیقت‌یاب مجلس با واکنش طیف پایداری همراه بود اما طیف زاکانی و توکلی از مخالفان لاریجانی حمایت نمی‌کردند و پایداری‌ها دوباره در اقلیت مجلس نیز یک گروه اقلیت شده بودند. گروهی که به مدد انتخابات ۲۴خرداد ۹۲، توانست حلقه وصلی با دیگر مخالفان لاریجانی در بهارستان پیدا کند و آن هم «مخالفت با دولت روحانی» بود. حلقه‌ای که آنها را به هم پیوند داد تا در یک سال گذشته بتوانند همه انتقاداتی که علیه یکدیگر داشته‌اند موقتا به فراموشی بسپارند تا رقبای مشترک خود در راس قوای مجریه و مقننه را با «وحدت» مغلوب کنند.

**وزن فراکسیون پرهیاهو**

اما همه آنچه گفته شد و در نهایت به‌هم‌پیوستن همه این مهره‌ها و جریان‌ها در مجلس، تا اینجای کار منتهی به تشکیل فراکسیونی شده که اگرچه ریاستش به عهده حدادعادل است اما اتاق فکری دارد مرکب از همه طرف‌های مباحث سال‌های پیش، فراکسیونی که براساس آمار منتشرشده روی سایت رسمی آن، اکنون ۹۳ عضو رسمی دارد و اگر نام حسین مظفر را هم به این افراد اضافه کنیم، تعداد آنها به ۹۴ نفر خواهد رسید. اما با نگاهی دقیق‌تر به اسامی، می‌توان دریافت که ۴۴ عضو «فراکسیون اصولگرایان»، از جمله نمایندگانی هستند که فرم عضویت در فراکسیون رهروان ولایت را نیز پر کرده‌اند. یک عضو هیات‌رییسه «فراکسیون اصولگرایان» (محمدصالح جوکار) و سه عضو شورای مرکزی این فراکسیون (مهناز بهمنی، قاسم جعفری و محمدرجایی باغ‌سیایی) از مهم‌ترین افرادی هستند که در سایت فراکسیون رهروان ولایت به‌عنوان اعضای رسمی فراکسیون حامی لاریجانی نیز معرفی شده‌اند و به‌جز آنها ۴۰ نام مشترک دیگر نیز در بین دو فراکسیون وجود دارد. از این بین در خوش‌بینانه‌ترین حالت، نیمی از اعضای مشترک، فراکسیون اصولگرایان را به رهروان ترجیح می‌دهند. اما نکته جالب در این میان، بخش دیگری از فراکسیون اصولگرایان است که هم عضو این فراکسیون و هم عضو فراکسیون حامی لاریجانی هستند و بی‌گمان نیمی از آنها در ترجیح لاریجانی بر حداد تردیدی نخواهند داشت.

**ائتلاف ناپایدار**

حداد حالا رییس فراکسیونی است که بخش قابل‌توجهی از نیروهای فعالش، اعضای جبهه پایداری هستند و در انتخابات ریاست‌جمهوری نیز جلیلی را به او ترجیح داده بودند و در بخش دیگر نیز در هنگامه انتخابات ریاست‌جمهوری گزینه‌های دیگری مطرح بود. کسانی که رییس فراکسیون اصولگرایان بیش از همه بر تضادهای موجود بین کسانی که زیر چترش گرد هم آمده‌اند واقف است. او می‌داند که آنها همیشه زیر این چتر نخواهند ماند.

خبر

شمخانی:

## ائتلاف ضد «داعش» مشکوک است

● **ایرنا:** دبیر شورایعالی امنیت ملی، تلاش آمریکا برای ایجاد ائتلاف ضدتروریسم با همراهی برخی کشورهایی که خود از تامین‌کنندگان اصلی تروریست‌ها بوده‌اند را مشکوک و غیرشفاف دانست. «علی شمخانی» در جلسه شورایعالی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم افزود: «اقدام آمریکا در مسیر منحرف‌کردن افکار عمومی جهانی نسبت به نقش محوری این کشور و حامیان آن در ایجاد، تجهیز و توسعه گروه‌های تروریستی به بهانه سرنگونی حکومت قانونی سوریه است.»او ادامه داد: «آمریکا با هدف نقض حاکمیت کشورها ضمن فرار به جلو، تداوم یکجانبه‌گرایی و دورزدن نهادهای بین‌المللی را در دستور کار خود قرار داده و به‌دنبال قهرمان‌سازی از این کشور به سبک فیلم‌های هالیوودی برای ازبین‌بردن بحران خودساخته است.»نماینده مقام‌معظم‌رهبری تلاش مشترک جهانی برای مبارزه صادقانه، شفاف و بدون تبعیض با تروریسم را رویکرد غیرقابل تغییر جمهوری اسلامی ایران عنوان کرد. شمخانی فقدان تاثیرپذیری محیط امنیتی کشور از بحران جاری در کشور عراق را نشانه بلوغ فرهنگی و اعتقادی شهروندان، بالابودن آستانه تحریک اجتماعی و همچنین اشراف اطلاعاتی و امنیتی مناسب نهادهای مسوول دانست و افزود: «جمهوری اسلامی ایران لنگرگاه ثبات و امنیت در منطقه پرآشوب خاورمیانه است.»

ادامه از صفحه اول

## داعش فرصتی برای ایران

ایران می‌تواند با بسیج دوستان منطقه‌ای خود، حضور موثری در پروژه تحدید افراط‌گرایی داشته باشد تا از این رهگذر بتواند اهداف مهم و استراتژیکی همچون: تضمین امنیت مرزهای خود و به‌ویژه مرزهای طولانی با کشور عراق، تقویت وضعیت و محافظت از منافع شیعیان در منطقه، دفع خطر متحجران تکفیری «داعش» از شهرهای مذهبی و بارگاه متبرک امامان شیعه، گرفتن امتیازات موردنظر خود در مذاکرات هسته‌ای، حمایت از دوستان منطقه‌ای خود از جمله گروه‌های مقاومت و در نهایت ارایه تصویری رحمانی و قرائتی انسانی از اسلام و اثبات مشترکات شیعه و سنی و در نتیجه به شکست‌کشاندن پروژه «اسلام‌هراسی» را تامین کند. این مهم با پتانسیل ایران حتی بدون حضور در آنچه ائتلاف جهانی خوانده شده، امکان پذیر است. باید از «فرصت» فضای ایجاد شده، استفاده کرد.

## «داعش» و ائتلاف جهانی

آیا طرح این پرسش زودرس، یعنی احتمال ورود نیروهای ائتلاف بین‌المللی به خاک سوریه، به بهانه پیگرد «داعش»، با هدف تضعیف و در نهایت سرنگونی دولت سوریه نیست؟ آیا رویدادهای اخیر داخلی سوریه، به‌ویژه استقرار «جبهه النصره» و ارتش آزاد سوریه در شهر «قنیطره» بلندی‌های اشغالی جولان به‌منظور حفظ امنیت خطوط تماس با اسراییل و سناریو ورود نیروهای ائتلاف بین‌المللی به خاک سوریه (در صورت اجرایی‌شدن) را می‌توان در چارچوب عملیات گسترده‌تر تفسیر کرد؟ به‌خصوص با توجه به اینکه حجم نیروهای «داعش» به اندازه‌ای نیست که ریشه‌کن‌کردن آن به چنین ائتلاف بزرگ بین‌المللی‌ای نیاز داشته باشد. اینها البته پرسش‌هایی است که به‌زودی پاسخ خود را خواهد گرفت، اما پرسش مهم‌تر و پایانی این نوشته این است که چرا منطقه و جهان به‌صورت ناگهانی به چنین درجه‌ای از وحشت از یک نیروی تروریستی رسیده است؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان یادآور شد که خشونت بی‌حدومرز «داعش» در غارت و کشتار این زمینه را تقویت می‌کند که دستیابی این گروه تروریستی به سلاح‌های کشتار جمعی این خطر را در پی دارد که برخی پایتخت‌های اروپایی یا منطقه در معرض خطر کشتار جمعی قرار گیرد، در نتیجه و باید قبل از انتقال «داعش» به منطقه خطرآفرین توان و همه جنبه‌های سازمانی و تشکیلاتی مجاری مالی و تسلیحاتی این گروه، مهار شود.

***رییس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه**

## سینما و خواب سیما

مسوولان پخش، خیلی راحت می‌توانستند همان برخوردی را با سینما کنند که با فوتبال و برنامه «نود» می‌کنند. کسی انتظار نداشت در راهروهای جام‌جم برای هنر هفتم، کلاه از سر بر دارند؛ ولی انتظار می‌رفت لااقل کلاهی بر سر سینما نگذارند. می‌شد به احترام روز ملی سینما، خیلی راحت، برنامه «هفت» را جایگزین «سریال» دردسرهای عظیم کرد؛ برنامه‌ای که بی‌هیچ دردسر، سرساعت ۱۱ روی آنتن رفت. اما گویا دردسرها همیشه مختص سینماست. مسوولان پخش، زمان سپری‌شده‌ای را برای روز تولد سینما در نظر گرفتند و به این ترتیب این ویژه‌برنامه با کمترین بیننده روی آنتن «زنده» رفت. عقربه‌ها جلو رفت و ساعت روی دو بامداد ۲۲شهریور ایستاد. مخاطبان «دردسرهای عظیم» حالا در خوابی عمیق فرورفته‌اند؛ آنها خود را برای «شنبه»ای دیگر مهیا می‌کنند، پس حرجی بر آنها نیست که نقدها و استدلال‌های محکم کیانیان را در دفاع از سینمای مستقل ایران نبینند و نشنوند. تریبون برنامه زنده در ساعتی بسیار کم‌مخاطب در اختیار هنرمندی صریح قرار گرفته تا بگوید سینماگران ایرانی، سیاه‌نمایی نمی‌کنند؛ تا استدلال کند سینمای «فاخر» چه ایرادهایی دارد؛ تا از میلیون‌ها کلمه‌ای یاد کند که در سال‌های گذشته به احترام سینمای مستقل ایران در نشریات و روزنامه‌های سراسر دنیا منتشر شده است.